

خبر

طالبان مدعی شد:

تصرف گذرگاه مرزی با پاکستان

● گروه طالبان روز گذشته مدعی شد یک گذرگاه مرزی مهم با پاکستان را تصرف کرده است. در هفته‌های اخیر و هم‌زمان با خروج نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا از افغانستان، گروه طالبان مدعی تصرف نقاط زیادی از کشور شده است. ذبیح‌الله مجاهد، از سخنگویان طالبان، با انتشار بیانیه‌ای گفت طالبان یک شهر مرزی مهم به نام وش را تحت کنترل خود درآورده است. به گفته او، جاده بین سپین بولدک– چمن و قندهار اکنون در اختیار طالبان است. گروه طالبان هفته پیش نیز گمرک اسلام قلعه در مرز ایران را به تصرف خود درآورده بود. یک مسئول امنیتی پاکستان نیز که نخواستہ نامش فاش شود، سقوط گذرگاه مرزی سپین بولدک– چمن به دست گروه طالبان را تأیید کرده و گفته است طالبان با پایین‌کشیدن پرچم افغانستان در این گذرگاه مرزی، پرچم خود را به اهتزاز درآورده‌اند. پیشروی نیروهای طالبان در نقاط مختلف افغانستان در حالی روی می‌دهد که دولت این کشور روز سه‌شنبه تأیید کرد هیئتی بلندپایه دولت افغانستان به رهبری عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه ملی، به دوبی می‌رود تا در دور تازه مذاکرات با طالبان شرکت کند. این هیئت که درباره راه‌حل بحران افغانستان گفت‌وگو خواهد کرد، شامل حامد کرزای، رئیس جمهوری پیشین، عبدالله عبدالله، رئیس مصالحه ملی افغانستان و سایر مقامات ازجمله یونس قانونی و کریم خلیلی، دو معاون سابق رئیس‌جمهور افغانستان است. زلمای خلیلزاد، نماینده ویژه آمریکا در مذاکرات با طالبان نیز در این مذاکرات حضور خواهد داشت و براساس برخی گمانه‌زنی‌ها، احتمال می‌رود حامد کرزای، رئیس‌جمهوری پیشین افغانستان نیز در مذاکراتی که احتمالاً روز جمعه برگزار خواهد شد، شرکت کند.

افتتاح سفارت امارات متحده عربی در تل‌آویو

● یک ماه پس از گشایش نمایندگی اسرائیل در ابوظبی و کمتر از یک سال بعد از توافق طرفین برای گسترش مناسبات دیپلماتیک، سفارت امارات متحده عربی در تل‌آویو نیز در مراسمی رسمی آغاز به کار کرد. به گزارش دیوچه‌وله، این سفارت در برج بورس ابوظ ابی بهادار واقع شده که در مرکز شهر تل‌آویو قرار دارد و مراسم افتتاحیه با به اهتزاز درآمدن پرچم امارات در این ساختمان همراه بود. محمد آل‌خاجه، سفیر ابوظبی و اسحاق هرزنوگ، رئیس‌جمهوری اسرائیل در مراسم گشایش سخنرانی کردند. محمد آل‌خواجه، سفیر امارات، به خبرنگاران گفت: «این سرآغازی است بر تعمیق مناسباتی مبتنی‌بر گفت‌وگو و تفاهم و نه اختلاف و کشمکش». او، افتتاح نمایندگی‌های سیاسی را رویکردی تازه در حل منازعه خاورمیانه و ال‌گویی نوین برای همکاری مشترک در مسیر صلح خواند.

صدراعظم درحال کناره‌گیری آلمان امروز درحالی میهمان جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکاست که پیش‌ازاین و در ۱۶سالی که قدرت را در دست دارد، رابطه‌ای متفاوت با سه رئیس‌جمهور سابق ایالات‌متحده داشته است. زمانی که آنکلا مرکل در سال ۲۰۰۵ در آلمان به قدرت رسید، رابطه واشنگتن- برلین بسیار پرتنش بود. جورج بوش، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا و گرهارد شرودر، صدراعظم وقت آلمان، اختلاف‌هایی جدی بر سر عملیات نظامی آمریکا در عراق داشتند و آلمان حاضر به مشارکت در این جنگ نشد.

تنش میان ایالات متحده و آلمان به حدی بود که کاندولیزا رایس، وزیر خارجه وقت آمریکا، جو میان این دو متحد را مسموم توصیف کرده بود. اما با ورود مرکل به قدرت رابطه واشنگتن و برلین رو به گرمی رفت و او همراه با بوش از «آغاز فصل نوینی در رابطه آمریکا و آلمان» خبر دادند. دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما با وجود اختلاف‌هایی که میان دو طرف وجود داشت، رابطه واشنگتن و برلین حتی گرم‌تر شد و مرکل روحیه خوشباندی را در اوباما یافت و این باعث شد تا فارغ از فرازوفرودهای رابطه ایالات‌متحده و آلمان، اوباما و مرکل رابطه‌ای سازنده داشته باشند.

اسا دوره ریاست‌جمهوری چهارساله دونالد

ترامپ را باید دشوارترین و پرتنش‌ترین دوران رابطه

مرکل و یک رئیس‌جمهوری آمریکا دانست. مرکل در

مذاکرات خود با ترامپ به‌دلیل وجود اختلاف‌نظرها

درباره ناتو و همچنین تجارت میان آمریکا و اتحادیه

اروپا بارها تلاش کرد تا تعریف خود از اصول اساسی

حقوق بین‌الملل را به رئیس‌جمهوری آمریکا بیاورد

اما نهایتاً این اختلافات حل نشد، بلکه در اواخر

ریاست‌جمهوری ترامپ تشش بر سر پروژه احداث

خط لوله «نورداستریم۲» که گاز روسیه را به مرکل

اروپا ارسال می‌کند، باعث شد تا کاخ سفید به‌دلیل

نگرانی از افزایش نفوذ روسیه بر اروپا، تحریم‌هایی

علیه شرکت‌های دخیل در این پروژه اعمال کند و مانع

تکمیل آن شود.

امروز مرکل برای آخرین‌بار قبل از ترک قدرت در ماه سپتامبر در کاخ سفید میهمان جو بایدن است و به نظر می‌رسد در مدت‌زمان کوتاه باقی‌مانده تا پایان صدراعظمی‌اش، رابطه او با بایدن به‌سوی ازمین‌بردن اختلاف‌هایی که در دوران ترامپ ظهور کرده بود، پیش برود. آنها گفته‌اند به‌دنبال احیای روابطی هستند که در دوران دونالد ترامپ خدشه‌دار شده بود. اما مواضع واشنگتن و برلین در یک‌سری مسائل مهم مورد توجه طرفین همچنان با یکدیگر فاصله داشته است. مرکل و بایدن یک‌بار ماه گذشته و در حاشیه نشست سران گروه ۷ در بریتانیا با هم دیدار کردند و در آستانه دومین دیدار مرکل و بایدن، رسانه‌ها از گفت‌وگوی این رهبران درباره موضوعات مختلفی از جمله حملات سایبری و همچنین پروژه «نورداستریم۲» خبر می‌دهند.

جهان

صدراعظم فعلی آلمان برای آخرین بار به واشنگتن می‌رود

شام آخر مرکل در کاخ سفید



پروژه نورد استریم ۲

«جن ساکی» سخنگوی کاخ سفید هم گفته است:

«رئیس‌جمهور آمریکا و صدراعظم آلمان درباره حملات باج‌افرازا که شرکت‌هایی را در آمریکا و درباره ناتو و همچنین تجارت میان آمریکا و اتحادیه سراسر جهان هدف قرار داده و همچنین درباره پروژه خط لوله گازی «نورداستریم۲» از روسیه به آلمان که واشنگتن با آن مخالف است، مذاکره خواهند کرد. این

مرکل مخالفت آمریکا و تعدادی از کشورهای شرق اروپا نسبت‌به تکمیل پروژه خط لوله نورداستریم۲ را رد کرده است. برخی کشورهای شرق اروپا نگران آن هستند که روسیه بخواهد از این خط لوله با هدف متوقف‌کردن فعالیت اوکراین به‌عنوان یک مسیر ترانزیتی‌گاز استفاده کند و این کشور از دراختیارگرفتن درآمد ناشی از این مسیر ترانزیتی محروم شود.

اما مرکل اخیراً اعلام کرده که آلمان و اتحادیه اروپا شرایط اوکراین را به‌عنوان یک مسیر ترانزیتی گاز تضمین خواهند کرد. خط لوله نورداستریم۲ که انتقال گاز روسیه از دریای بالتیک به آلمان را اجرایی می‌کند، با مخالفت هر دو حزب اصلی در آمریکا مواجه است. در کنگره آمریکا، جمهوری‌خواهان و هم دموکرات‌ها از تحریم‌ها برای جلوگیری از اجرای این پروژه حمایت کرده‌اند.

حق معنوی واکنس

برلین و واشنگتن همچنین درباره معافیت موقت از حقوق مالکیت معنوی در مورد واکنس‌هایی که ازسوی اعضای سازمان تجارت جهانی برای کمک به پایان‌دادن به همه‌گیری کووید۱۹ در نظر گرفته

شده است، اختلاف‌نظر دارند. واشنگتن از این معافیت حمایت می‌کند، درحالی‌که آلمان با آن مخالف است. جن ساکی در پاسخ به این پرسش که آیا بایدن به‌دنبال متقاعدکردن مرکل برای حمایت از این معافیت امتیازی است یا خیر، گفت: «بایدن یکی از طرفداران جدی چنین اقدامی است اما این تنها یکی از چندین ابزاری است که می‌تواند برای تقویت نرخ واکنسیاسون کووید۱۹ در سراسر جهان مورد استفاده قرار گیرد.»

مرکل سفر کاری رسمی با هدف تقویت روابط میان این

دو کشور و شناسایی راه‌ها برای تقویت هرچه‌بیشتر

همکاری‌ها خواهد بود.» جن ساکی تأکید کرده که

بایدن همچنان خط لوله گازی «نورداستریم۲» را

یک «قرارداد بد» می‌داند، اما گفتگت که آیا ممکن

است توافقی برای جلوگیری از آغاز دوباره اعمال

تعرفه‌های آمریکا علیه شرکت‌های آلمانی حاضر در

این پروژه حاصل شود یا خیر.

وزارت خارجه آمریکا در ماه می اعلام کرد که

شرکت آلمانی «نورداستریم۲» و مدیرعامل آن

«ماتیاس وارنیک»، یکی از متحدان ولادیمیر پوتین،

رئیس‌جمهوری روسیه، در فعالیت‌هایی شرکت

دارند که قابل‌تحریم هستند. اما آنتونی بلینکن، وزیر

خارجه آمریکا، فوراً این تحریم‌ها را به حالت تعلیق

درآورد و تأکید داشت که این کار به نفع منافع ملی

آمریکاست. بایدن هم اعلام کرده که خواستار بهبود

روابط با آلمان است؛ متحدی که بایدن برای رسیدگی

به موضوعات وسیع‌تری ازجمله تغییر آب‌وهوا،

بهبود اقتصادی و رابطه با ایران و چین به آن نیاز

دارد. مقامات آلمان می‌گویند امیدوارند این مسئله

تا ماه آگوست حل شود و دیدار یابدن- مرکل بتواند

غارت و شورش‌های بی‌سابقه به بزرگ‌ترین شهر آفریقای جنوبی کشیده شد

روزهای آخرالزمانی در آفریقای جنوبی

«دوران» می‌گوید پلیس دستپاچه شده و نمی‌داند به ما چه بگوید. به گفته او، دانشجویان که در خوابگاه‌های مرکز شهر زندگی می‌کنند، دست به غارت زده و کفش و لباس می‌درزدند. در محلات فقیرنشین نیز مواد غذایی و نوشیدنی الکلی دزدیده می‌شود. در چنین شرایطی، سیریل رامافوزا، رئیس‌جمهوری آفریقای جنوبی، در نقطه تلویزیونی تأکید کرد که صلح، قانون و نظم باید هرچه سریع‌تر به کشور بازگردد. او گفت: «راه خشونت، غارت و هرج‌ومرج به خشونت بیشتر، بیروانی، رنج، فقر و بی‌کاری بیشتر و اذسترقتن جان‌های بی‌گناه منجر می‌شود». یونکه دومبسا، اقتصاددان، هشدار می‌دهد که وضعیت فعلی می‌تواند به آفریقای جنوبی خسارتی شدید وارد بیاورد. او می‌گوید باید سیاست را فراموش کرد و با واقعیت روبه‌رو شد. دومبسا این اعمال را جنایتکارانه می‌داند و می‌گوید این رفتار می‌تواند خسارتی هنگفت و نتیجه‌ای همگوس به بار بیاورد. به گفته او، دولت آفریقای جنوبی در چنین شرایطی باید هزینه‌های زیادی را از محل بودجه‌ای که برای نیازهای اساسی در نظر گرفته بود، بپردازد. دیوید نوس، یکی‌دیگر از کارشناسان این کشور می‌گوید باید هرچه زودتر برای کمک به طبقات محروم و خشمگین جامعه چاره‌ای اندیشید. طبق گزارش‌های منتشرشده، در آفریقای جنوبی میان فقیر و غنی شکافی عمیق وجود دارد. شیوع کرونا نیز مزید بر علت شده و گرسنگی را افزایش داده است. براساس آخرین آمار دولت در سال ۲۰۱۵ میلادی، تقریباً نیمی از جمعیت در این کشور آفریقایی زیر خط فقر زندگی می‌کنند و رشد بی‌کاری از زمان شیوع پاندمی کرونا، بسیاری از جوانان این کشور را ناامید کرده است. نرخ بی‌کاری در سه ماه نخست سال ۲۰۲۱ میلادی به بالاترین رکورد خود یعنی ۳۲٫۶ درصد رسیده است. ناظران شرایط کنونی را از بسیار نگران‌کننده می‌دانند. اگرچه موج غارت و چپاول همه شهرها را فرا نگرفته است، اما عادی‌شدن صحنه قدم‌زدن نیروهای امنیتی بر روی خرده‌شیشه‌های وپتربن مغازه‌های به غارت رفته به این معناست که ثبات و روال عادی زندگی از آفریقای جنوبی رخت برسته است.

نگاه

قدرت‌های بزرگ و سیاست

سازگاری در خاورمیانه

رفیق خوری · **تحلیلگر عرب**

● باوجود همه مشکلات و آشفتگی‌ها در جهان، پل جاسون، تاریخ‌نگار آمریکایی، نگاه خوش‌بینانه‌ای به اوضاع دارد. از نظر او، در درس‌هایی که تاریخ به ما می‌دهد، چیزی وجود ندارد که مسا را وادار کند تا از پشت عینک‌های سیاه به جهان و سرنوشت آن نگاه کنیم. دیدگاه جاسون در جهت عکس دیدگاه بدبینانه جان آزرین قرار دارد که در نمایش‌نامه «با خشمم به گذشته نگاه کن» بازتاب داده است. این نمایش‌نامه که پس از جنگ جهانی دوم و فجایع دردناک آن منتشر شد، اذهان عمومی را در لندن و جهان در دهه ۵۰ قرن گذشته به خود مشغول کرد. پل جاسون که با رضایت و خرسندی به گذشته و باامید و خوش‌بینی به آینده می‌نگرد، می‌گوید: «مهم‌ترین دستاورد قرن بیستم حاکمیت قانون بود و مهم‌ترین دستاورد قرن بیست‌ویکم، باید حاکمیت قانون بین‌المللی در جهان باشد.» اما برخلاف گفته جاسون، حاکمیت قانون در قرن بیستم، شامل همه نظام‌ها و کشورها نمی‌شد بلکه کشورهایی وجود داشت که قوانین در آنها مطابق به خواسته زمامداران ساخته می‌شد اجرا می‌شد، «قانون حاکمیت» بود نه «حاکمیت قانون.» این در حالی است که قانون بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم تابع‌حال در انحصار قدرت‌های بزرگ که اعضای دائمی شورای امنیت و دارای حق وتو هستند، قرار دارد. این قدرت‌های بزرگ هرگاه بر سر مسئله‌ای به توافق برسند، قانون بین‌الملل اجرا و فیصله‌های سازمان ملل متحد بر کشور مخالف تطبیق می‌شود اما زمانی که به سبب تضادم منافع، در میان آنها اختلاف پیدا شود، نه به حاکمیت قانون توجهی صورت می‌گیرد، نه فیصله‌های سازمان ملل متحد اجرایی می‌شود و نه ملتی از ستم زمامدارانش نجات داده می‌شود، حتی اصل «مسئولیت‌حمایت» صوبه سازمان ملل متحد هم به فراموشی سپرده می‌شود؛ زیرا مدیریت کشمشکشان میان آمریکا، روسیه و چین تا امروز با کمترین ضوابط صورت می‌گیرد.

اما چنین به نظر می‌رسد که این سه قدرت بزرگ می‌خواهند همان سیاستی را در منطقه در پیش گیرند که ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهوری آمریکا و وزیر خارجه‌اش هنری کیسینجر در جنگ ویتنام اعمال کردند. به «دکترین نیکسون» که وضعیّت موجود»، «دکترین نیکسون این بود که به‌جای اینکه سربازان خود را در جنگ تلف کنیم، به ویتنامی‌ها کمک می‌کنیم تا آنها خودشان جنگ را به پیش برند. سیاست آمریکا، روسیه و چین هم امروز در خاورمیانه و تا حدی زیادی است از «سیاست سازگاری با وضعیت موجود». هریک از این قدرت‌ها به این نظر است که ما باید خود را با رویدادهای منطقه وفق دهیم و به کشورهای متحد خود در منطقه کمک کنیم تا خودشان به حل مشکلاتشان بپردازند. هریک از این قدرت‌ها برای توجه این سیاست دلیل و منطق خود را دارد؛ دلیل دولت‌های آمریکا برای توجه این سیاست، از زمان باراک اوباما تا دونالد ترامپ و جو بایدن، این است که آمریکا باید برای کشمشکش بزرگ با روسیه و چین فراغت داشته باشند. آمریکا به متحدان و دوستان خود در خاورمیانه می‌گوید: شما خود به مشکلاتی که پیش‌رو دارید، رسیدگی کنید و در یافتن راه‌حل آنها سعی ورزید، ما به شما کمک نمی‌کنیم. منطق چین این است که تقویت کشورهای منطقه و استفاده آنها از «پروژه راه ابریشم» و افزایش سرمایه‌گذاری در این کشورها، نقش کمک‌کننده چین را تقویت می‌کند و در نتیجه کشورهای منطقه را به حل مشکلات آنها توانا می‌سازد. منطق روسیه این است که نقش آن در جنگ سوریه سبب شد تا نقش جهانی خود را بازیابد و یک قدرت خاورمیانه‌ای مبدل شود و اکنون به اندازه‌ای که توازن روابطش با کشورهای مطرح منطقه، یعنی ترکیه، ایران، اسرائیل، مصر و عربستان سعودی ایجاب می‌کند، به کمک و همکاری منطقه می‌پردازد. البته می‌دانیم که دکترین نیکسون در ویتنام به شکست انجامید و منجر به خروج مقتضانه نیروهای آمریکایی از سایکون شد، پس سیاست سازگاری هم شانس زیادی برای موفقیت ندارد. این سیاست در خاوردور یک بازی خطرناک است، زیرا سبب هراس قدرت‌های منطقه‌ای می‌شود که باید به کمک متحدانشان به رویارویی با مشکلات آنها بپردازند، چه زاین باشد، چه کره جنوبی و چه تایوان و هند. سیاست سازگاری در خاورمیانه، منجر به اختلافات و کشمکش‌هایی خواهد شد که بدون مداخله قدرت‌های بزرگ حل‌شدنی نخواهد بود.

حلال در نبود نظام جهانی جدید، سخن‌گفتن از نظام منطقه‌ای جدید در خاورمیانه توهمی بیش نیست. کشورهای اروپایی برای اینکه به «توافق امنیت و همکاری اروپا» در کنفرانس هلسنکی دست یابند، تلاش‌های زیادی انجام دادند و وقت درازی را سپری کردند. بعضی‌ها برای حل مشکل خاورمیانه، از «هلسنکی خاورمیانه» سخن می‌گویند و پیشنهاد می‌کنند که کنفرانسی شبیه به کنفرانس هلسنکی در خاورمیانه برگزار شود. اما با توجه به اینکه خاورمیانه در شرایط و اوضاع کنونی، منطقه‌ای است اثباتشده از سلاح و تروریسم و بر از اختلافات، کشمشکش‌ها، دشمنی‌ها و کدورت‌ها و وابسته به منافع قدرت‌های بزرگ، پس چنین دعوت‌ها، رؤیایی است شیرین اما غیرعملی و دور از واقعیت.

منبع: ایندیپندنت